

## بهره گیری از نعمت و فرصت سلامتی در سخنان حضرت امیر

دکتر محمدرضا رجب نژاد

استادیار گروه طب و دین موسسه مطالعات تاریخ علوم پزشکی، طب اسلامی و مکمل علوم

پزشکی ایران

[Rajabnejad.mr@iums.ac.ir](mailto:Rajabnejad.mr@iums.ac.ir)

سلامتی نعمت بی بدیل الهی است. در روایات از سلامتی به عنوان نعمت مخفی یاد شده است که انسان تا زمان برخورداری از این نعمت، ارزش واقعی آن را نمی داند. آدمی زمانی به ارزش سلامتی پی می برد که حتی بخشی از سلامتی را از دست داده باشد. حضرت امیر «علیه السلام» که حقیقت ملک و ملکوت نظام هستی را می شناسد، تاکید دارند، شایسته است انسان پیش از بیماری، این نعمت را غنیمت بشمارد و شاکر خدای سبحان به جهت نعمت بزرگ سلامتی باشد

سخن نخست:

یکی از موثرترین شیوه های تربیتی، روش ارائه الگو است. یعنی مربی، بلندترین و ظریف ترین مطالب فکری را در قالب نمونه های عینی ارائه می دهد و موضوع های ذهنی را به صورت قابل لمس بیان می کند.

حضرت امیر که بهترین مربی دلسوز است می فرماید: «فاتعظوا بالعبر و بالغیر و انتفعوا بالندر»<sup>۱</sup> به وسیله عبرت ها موعظه بگیرید و از دگرگونی ها عبرت پذیرید و از بیم دهندگان سود بجوید. «واتعظوا بمن کان قبلکم قبل عن یتعظ بکم من بعدکم»<sup>۲</sup> از گذشتگان موعظه بگیرید، پیش از آنکه آیندگان از شما، عبرت و موعظه بگیرند.

امیرالمومنین «علیه السلام» در ضمن بیان ویژگی های ممتاز فرشتگان عزیز خدای سبحان در خطبه ۱۰۹، تشبیه زیبایی از بیماری دارند: خدایا! بعضی از فرشتگان را در آسمان، جایشان دادی و از زمین، بالاترشان بردی. آنان تو را از سایر مخلوقات بهتر می شناسند و از عقاب تو، بیشتر در هراسند و از همه به تو نزدیکترند.

فرشتگان در پشت پدران قرار نداشته اند و رحم مادران، آنان را در برنگرفته بودند و از نطفه پست آفریده نشدند.

خدایا منزهی تو! خالق و معبود همه موجودات تویی! پروردگارا! تو را برای آنکه امتحان خوبی از مخلوقات نمودی ستایش می کنم. خانه ای را آفریدی (بهشت) که انواع نوشیدنی ها و خوراکی ها و همسران و خدمتکاران و کاخ ها و نهرها و محصولات زمینی و میوه های درختی در آن موجود است.

کسی را مأمور کردی تا مردم را به استفاده از نعمت ها دعوت کند. ولی آن مردم نه این دعوت را قبول کردند و نه به آنچه آنها را به آن ترغیب نمودی، میل نشان دادند و به خوشی هایی که تشویق فرمودی، مشتاق نگشتند.

به دنیای چون مردار روی آوردند و با خوردن آن، خود را سوار کردند و در اظهار علاقه به دنیا با هم هم رنگ شدند. هرکس به چیزی عشق ورزد، چشمش از دیدن عیب های آن کور و قلبش بیمار می گردد و با چشمی بیمارگونه به مسایل می نگرد و با گوش می شنود به حرف ها گوش می دهد ... او بنده دنیا است و بنده هرکسی است که چیزی از دنیا در اختیار دارد. هر کجا

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه: ۱۰۷

<sup>۲</sup>. همان، خطبه: ۳۳

دنیا برود، او نیز همان جا رهسپار می‌گردد ... از دنیایی که با آسودگی خاطر زندگی می‌کردند، جدا شدند و به آخرت، همان وعده‌گاه الهی نایل آمدند.

سختی‌هایی که بر آنان وارد می‌شود، قابل توصیف نیست. سختی جان‌کندن و غم و اندوه از دست دادن همه چیز دنیا، دست و پایشان را سست می‌کند و رنگ از رخسارشان می‌برد ... آری او در بین خانواده در بستر مرگ افتاده، با چشمانش می‌بیند و با گوش‌هایش می‌شنود، عقلش سالم و درکش هنوز باقی است. در این فکر است که عمر خود را چگونه در راه باطل مصرف کرد و روزگار خویش را در چه چیزهایی تمام نموده است.

در این لحظات، به یاد می‌آورد که در حلال و حرام بودن اموالی که پس‌انداز نموده، دقت نکرده و در این رابطه، سهل‌انگاری‌هایی داشته است و از اموال شبهه‌ناک استفاده و اکنون آنچه دارد، گنااهش بر ذمه او خواهد بود.

در این هنگام، به خاطر سختی‌هایی که در اثر سكرات مرگ برایش پیش آمده، پشیمان گشته و انگشت خود را از پشیمانی می‌گذرد و به آنچه در دنیا بدان اظهار تمایل می‌کرد، بی‌میل می‌گردد و آرزو می‌کند که ای کاش، کسی در دنیا به ثروت او حسرت می‌خورد، صاحب این ثروت می‌شد و او چنین ثروتی را جمع نمی‌کرد. در این موقع است که مرگ به طور جدی در بدن او ظاهر می‌گردد، تا این که گوش او، مثل زبانش از کار می‌افتد. در بین خانواده‌اش به وصفی درمی‌آید که نه قدرت سخن گفتن دارد و نه توان شنیدن، دیده را برای نگریستن چهره اطرافیان باز می‌کند، تنها حرکت زبان آنان را می‌بیند، ولی سخنانشان را نمی‌شنود. در این لحظه آثار مرگ بیشتر نمایان شده، قدرت بینایی را هم از او می‌گیرد، همان طور که گوشش از کار افتاد.

در این سخنان پرگهر، حضرت عشق دنیوی را سبب بیماری و کوری چشم و بصیرت معرفی می‌کند، در نتیجه با چشم بیمار و غیر سالم به امور نگاه کرده و حقایق را وارونه می‌بیند. چشم و گوش دارد، اما چون بیمار شده، آنچه باید دیده و شنیده، نمی‌بیند و نمی‌شنود. نکته دوم:

بیداری پس از بلا، غالباً بیهوده است. هر انسانی تا چشمش به چوبه دار یا امواج بلا و طوفان بیافتد، به طور موقت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما چون ریشه در اعماق جاننش ندارد، با خاموش شدن آن، تفکر و عبرت نیز، خاموش می‌شود. نه فقر، دلیل ذلت است و نه ثروت، دلیل عزت. نه سلامت، دلیل لطف خداست و نه بیماری، نشانه قهر خداوند. بلکه سلامتی و بیماری هر دو امتحان الهی است.

حضرت امیر «علیه السلام» در خطبه صد و هشتاد و دو نهج البلاغه ضمن یادآوری قدرت و علم بی پایان خداوند و یادکرد عذاب‌های سخت پروردگار که غیر قابل تحمل است، تأکید دارند که قدر و منزلت سلامتی را بدانید، پیش از آن که از کف بیرون برود و از بد گمان بودن، به بیماری یاد می‌کنند و می‌فرمایند: حمد خدایی را که بدون آنکه رنجی برد خلق می‌کند ... اوست که دنیا را محل سکونت خلق خویش قرار داد و برای ارشاد جن و انس، رسولانش را فرستاد.

تحولات پی‌درپی، تندرستی‌ها و بیماری‌ها، حلال و حرام‌هایش و آنچه خدا برای اهل طاعت و اهل معصیت آماده ساخته از بهشت و جهنم را بازگو نماید.

به طور قطع، پروردگار خرج دنیای شما را به اندازه کفایت، عنایت فرموده و شما را به شکر نعمت‌های خویش، وادار نموده است.

پس بترسید از خدایی که شما را می‌بیند و دست پرتوانش بر شما مسلط است و تمام حرکاتتان، در قبضه قدرت اوست. اگر چیزی را پنهان کنید او می‌داند. اگر چیزی را اشکار سازید او می‌نویسد. به تحقیق، فرشتگانی را بر شما موکل نموده که نگهبان و بزرگوارند. حق کسی را ضایع نمی‌کنند و چیزی را به ناحق و باطل ثبت نمی‌نمایند.

مطمئن باشید، هرکس از خدا بترسد و تقوی را پیشه خویش قرار دهد، خداوند راه فرار و نجات از فتنه‌ها را پیش پایش می‌گذارد و نوری برای رهایی از تاریکی‌ها به او عطا می‌نماید و در جایی برای همیشه ساکن می‌کند که هرچه دلش خواست آماده باشد.

پس به سوی آخرت بشتابید و به مرگ‌ها سبقت بگیرید. چرا که چیزی نمانده که آرزوهای مردم قطع شود و مرگ، آنان را دریابد و در توبه به روی آنان بسته شود. اکنون شما وضع مردمی را پیدا کردید که قبل از شما بودند و درخواست بازگشت به دنیا را کردند و در دنیا مسافر و رهگذرید و به کوچ کردن از آن، باخبرتان کرده‌اند ...

بدانید این پوست نازک بدن‌تان، شکیبایی آتش دوزخ را ندارد. پس به خودتان رحم کنید. شما در دنیا، خودتان را به مصیبت‌ها و سختی‌ها آزمایش کرده و دیده‌اید که وقتی خار کوچکی به بدن‌تان فرو می‌رود و یا از زمین خوردن خونین می‌شوید و روی ریگ گرم بیابان، پایتان می‌سوزد، چه ناله و فریادی سر می‌دهید. پس چه حالی خواهید داشت آن موقع که بین دو طبقه از آتش قرار بگیرید، درحالی که هم خوابه سنگ سوزان و همنشین شیطانید. آیا می‌دانید! اگر مالک دوزخ، خشمی بر آتش کند، در اثر خشم او، بعضی از آن آتش، بعضی دیگر را می‌شکنند و شعله‌ای شعله دیگر را می‌بلعد و همین که مالک دوزخ بر آتش صیحه‌ای زند، آن آتش به علت بی‌تابی در میان درهای دوزخ، از این طرف به آن طرف می‌جهد.

ای انسان سالخورده‌ای که در اثر پیری، ناتوان گشته‌ای، چه خواهی کرد آن زمانی که طوق‌های آتشین بر گردنت بیندازند و زنجیرها، دست‌هایت را به گردنت بند نمایند، تا آن حد که گوشت بازوها را بخورد.

ای مردم! بترسید از خدا. بترسید از خدا. هم اکنون که بیمار نیستید و سلامت می‌باشید، گشایش برایتان هست و در تنگنا نیستید و قبل از آنکه گرفتار شوید، در رهایی از قیدهای خود بکوشید. شب زنده‌داری کنید. روزه بگیرید و شکم را از غذا پرنکنید و قدم‌های خیر بردارید و از امواتان انفاق کنید. از قوت تن‌هایتان به جان‌هایتان ببخشید و در این کار بخل نورزید. چنانکه خداوند می‌فرماید: «اگر خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری می‌کند.»

بدگمانی، دل‌ها را بیمار و شخص امین را متهم و دوستی برادران را دگرگون می‌سازد.<sup>۳</sup> از ستیزه و دشمنی بپرهیزید، زیرا این دو خصلت دل را، بیمار می‌کند و نفاق به بار می‌آورد.<sup>۴</sup> پایان سخن:

انسان نباید تصور کند که در برابر پروردگار قدرتمند است. زیرا در برابر دشمنان کوچکی مانند میکروب‌های ذره بینی به سرعت نابود می‌شود. بر انسان ضروری است که از هر چیزی عبرت بگیرد و از سلامتی که نعمت بزرگ الهی است در مجرای درست بهره بگیرد که همه باید در راستای بندگی و خدمت به بندگان سپری شود. «لعلکم تشکرون» تا پروردگارتان را در برابر این نعمت‌ها، شکرگذار باشید.

حضرت امیر در مذمت دنیا و در بیان موضوع سلامت، به سلامت دینی و اعتقادی اشاره فرموده و همگان را به عبرت گرفتن از زایل شدن سلامتی و پدیدار شدن مرگ و دگرگون شدن حال انسان از حالی به حال دیگر، به این که برخی در حال بیماری و برخی در رنج، برخی در حال جان‌کندن و دیگری در طلب دنیا. از این رو، امام در حال ایراد خطبه هشتاد و دو نهج البلاغه بودند که فردی از امام پرسید: یا امیرالمؤمنین دنیا را برای ما وصف کن. فرمود: «اولها عناء و آخرها فناء، حلالها حساب و حرامها عقاب، من صح فیها امن و من مرض فیها ندم، من استغنی فیها فتن، من افتقر فیها حزن»<sup>۵</sup>

<sup>۳</sup> بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه، ص ۲۹۵  
<sup>۴</sup> همان

<sup>۵</sup> پرتوی از نهج البلاغه، ص ۷۲۲، خطبه ۸۲

چگونه سرابی را وصف کنم که آغازش رنج و دشواری، انجامش نابودی، در حلالش حساب باید پس داد، در حرامش باید کیفر چشید. هرکس در آن تندرست بود در امان است و در آن، هرکس بیمار شد، پشیمان است. آنکه خود را بی نیاز انگارد، فریب خورده و آنکه به نادانی افتد، اندوه برده است.

در خطبه نود و نه می فرماید: خدا را به آنچه به ما عطا کرده سپاس می گوئیم و به آنچه در آینده برایمان پیش خواهد آورد از او یاری می طلبیم. از او می خواهیم که دین و اعتقادات ما را حفظ و سلامت به دارد، همان طور که سلامتی بدن ما را از او درخواست می کنیم. ای بندگان خدا! به شما سفارش می کنم دنیایی که روزی، شما را رها می کند، ترک کنید هرچند دوست ندارید، دست از دنیا بکشید. دنیایی که بدنها را فرسوده می کند، هرچند شما دوست دارید سالم و تازه بماند. مثل شما و دنیا، چون همسفرانی است که به راهی می روند، پس گویی آن راه را طی کرده اند و قصد دارند به نشانه ای برسند و گویی به آن رسیده اند. چه بسیار کوتاه است مهلت کسی که درصدد است تا راهی که در پیش دارد به سر رسد و چه امیدی می توان داشت برای زنده ماندن کسی که از عمر او فقط یک روز باقی مانده و مرگ شتابان او را طلب می کند و او را دنبال می کند و به جلو می راند، تا آن زمان که از دنیا جدا شود.

در عزت و افتخارات دنیا، از هم سبقت نگیرند و به آرایش و آسایش آن خوشحال نباشید و از رنج و سرسختی آن، بی صبری نکنید که عزت و افتخاراتش، پایان یافتنی است و آرایش و آسایش آن، از بین رفتنی است. رنج و سختی آن، رو به پایان است. هر موجود زنده در آن، روزی خواهد مرد. آیا آنچه از گذشتگان باقی مانده، برای شما عبرت آموز نیست! تا شما را از رفتار زشت باز دارد! نمی بینید گذشتگان شما بر نمی گردند و زنده ها جاوید نمی مانند! نمی بینید مردم دنیا هر روز و هر ساعت حالتی دارند. گاه عزیزی را از دست می دهند و بر او می گریند و مردم به صاحب عزا، تسلیت می گویند.

گاه بیماری در بستر افتاده و در درد و رنج مبتلا است. گاه فردی به عیادت بیمار می رود و گاه انسانی در حال جان کندن است و دیگری در طلب دنیاست و مرگ هم به دنبال اوست. غافل و بی خبر است در حالی که خداوند از او غافل نیست.

بدین گونه است که باقی ماندگان به دنبال گذشتگان می روند. آگاه باشید! به یاد بیاورید! ویران کننده لذت ها و برهم زننده عیش ها و قطع کننده آرزوها را تا در انجام کارهای زشت عجله نکنید و از خداوند برای به جا آوردن واجبات و سپاسگزاری نعمت ها و احسان های بی پایانش مدد بخواهید.<sup>۱</sup>

منابع:

ترجمه روان نهج البلاغه، ارفع، کاظم، ناشر فیض کاشانی، تهران، ۱۳۸۷  
بخشی از زیبایی های نهج البلاغه امام علی بن ابیطالب، جرداق، جورج، مترجم محمدرضا انصاری محلاتی، کانون انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۷۳  
پرتوی از نهج البلاغه، جعفری، محمد مهدی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴